

سونامی نارضایتی اعضا از عملکرد صندوق ذخیره فرهنگیان

مهدی سورگی

صندوق ذخیره فرهنگیان در سال ۱۳۷۴ با هدف «ارتقای وضعیت معیشتی فرهنگیان در زمان بازنشستگی» تاسیس شد. به ما گفتند:

- می‌توانید تا سقف ۵٪ حقوق خود را در این صندوق ذخیره کنید و دولت هم به همین میزان واریزی خواهد داشت و عملاً شما ۱۰۰٪ سود خواهید کرد.

- شما معلمان سواد مالی نداشته و سرمایه‌گذاری بلد نیستید، ما این پول‌ها را به دست افراد کاردان خواهیم سپرد و مثل «قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود»، با این دریای پول جمع‌شده کارهایی خواهیم کرد که هم کشور توسعه پیدا کند و هم شما در زمان بازنشستگی هیچ دغدغهای نداشته باشید.

- افرادی امین بر امورات این صندوق نظارت خواهند که نه تنها خدا ترس هستند، بلکه همیشه و در همه حال مدافع سرمایه شما خواهند بود و نخواهند گذاشت ذره‌ای حیف و میل شود.

امروز یک سال مانده به سی سالگی صندوق وضعیت چیزی نیست که به ما گفته شده بود:

- برای هر فرهنگی عضو صورت وضعیتی صادر شده که وقتی به آن نگاه می‌کنیم احساس غبن، تحقیر و خسران به ما دست می‌دهد.

- نه خبری از واریزی دولت معادل واریزی عضو است.

- نه خبری از سودسازی‌های چشمگیر (حتی از تورم هم سبقت نگرفته) مضاف بر این سود واریزی دولت بیشتر از سود واریزی عضو حساب شده، هیچ مرجعی هم برای پاسخگویی به این روش محاسبه وجود ندارد.

واحد رفاه و تعاون ادارات هم طوطی‌وار مطالبی غلط در مورد سودسازی‌های موسسه را تکرار می‌کنند.

زمانی فهمیدیم چنین کلاه گشادی سرمان رفته که فرم‌های بازنشستگی به دست در راهروهای ادارات آموزش و پرورش راه افتاده بودیم، چرا زودتر نفهمیدیم؟ چرا این قدر ساده بودیم؟ چرا اجازه دادیم که چنین کلاه گشادی سرمان برود؟

به مدیران صندوق مراجعه کردیم، برای تسویه با تمام فرهنگیان عضو

طبق این صورت وضعیت‌ها یکپنجم کل دارایی‌ها کافی بود، گفتند بقیه هم دارایی بین‌نسلی یا انفال است. کار را به مراجع بالاتر تصمیم‌گیری بردیم. موضوع انفال (دارایی بین‌نسلی) منتفی و مقرر شد همه دارایی‌های موسسه بین فرهنگیان در قالب ارزش مالکانه تقسیم شود.

دوره آقای نیکدل (سال ۱۳۹۹) قرار شد تا سال ۱۴۰۰ حدود ۹۶٪ دارایی‌ها در قالب ۴ هلدینگ وارد بورس سپس ارزش مالکانه تقدیم فرهنگیان عضو خواهد شد.

مهندس نیکدل رفت و دکتر نجفپور آمد و قرار شد ۱۰٪ کل دارایی‌ها در قالب شرکت سهند تخصیص یابد. دکتر نجفپور رفت و دکتر احمدی آمد و همان هم نشد.

امروز به این نتیجه رسیده‌ایم، این موسسه صندوق تنخواه گردان وزارتخانه آموزش و پرورش است.

وزیر آموزش و پرورش در امور صندوق قدرت مطلق دارد، نایب رییس هیات امنا (معاون مالی و پشتیبانی وزیر) می‌تواند برای حل و فصل مشکلات ریز و درشت وزارتخانه دست در جیب موسسه کند.

بیش از ۷ هزار پست و سمت خود موسسه و شرکت‌های تابعه آن محلی است برای انواع مراودات سیاسی و جناحی و تعیین حقوق‌های نجومی برای اعوان و انصار

سود و زیان‌دهی شرکت‌های تابعه اصلا مهم نیست، مهم این است که یک عده از این سفره نانی ببرند و حقوق‌هایی بالاتر از حقوق یک فرهنگی بگیرند.

برخی معتقدند مافیای زر و زور تزویر بر این موسسه تسلط یافته‌اند، اما تحقیقات ما نشان داده که ساختار به گونه‌ای طراحی شده که حتی کسی دیگر هم بر راس آن قرار بگیرد اتوماتیک مافیای زر و زور و تزویر مرتبط با همان شخص را شکل خواهد داد.

لذا اصلاح امور صندوق به شیوه بنگاه‌داری تقریباً غیرممکن شده و اگر عزم جدی برای اصلاح باشد، تنها راه باقی مانده کوچکسازی موسسه و تبدیل آن به یک نهاد مالی است.

ما معتقدیم اگر هر چه سریع‌تر این صندوق به یک نهاد مالی طبق قوانین بازار سرمایه ایران تبدیل نشود، سونامی نارضایتی فرهنگیان که تا سال ۱۴۰۴ بازنشسته می‌شوند، منجر به تنش‌های اجتماعی و اقتصادی فراوان برای کشور و حکومت خواهد شد.

ما معتقدیم مدیران صندوق هیچ درک درستی از شرایط مخاطره‌آمیز فعلی نداشته و بیش از آنکه دغدغه‌شان عبور سالم از بحران‌های پیش رو باشد، گرفتار روزمرگی‌های وزیر جهت پوشش منویات وی شده‌اند.

ما معتقدیم گام‌های جدی آقای نیکدل و نجفپور در موضوع ارزش

مالکانه، هزینه‌های زیادی برای ما داشته و باید به نتیجه برسد و نباید هر مدیری حق داشته باشد به سلیقه خود مسیرهای درست پیموده شده قبلی را بی‌نتیجه رها کند.

محک ما برای سنجش سلامت گفتار و رفتار مدیران فعلی صندوق تخصیص ارزش مالکانه کل دارایی‌های موسسه صندوق ذخیره فرهنگیان است، اگر این موضوع به سرانجام نرسد، این مدیران هم گرفتار ساختار مافیاساز زر و زور تزویر شده‌اند. مطالبه‌گر حوزه صندوق ذخیره فرهنگیان

منبع: روزنامه اعتماد 16 اردیبهشت 1403 □□□□□□